

نوع مقاله: ترویجی

مبانی نظریه اشتغال در اقتصاد مقاومتی

Nasimeshargh@gmail.com

rajae95@chmail.ir

سعید ابراهیمی / دانش‌پژوه دکتری اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

سیدمحمد کاظم رجائی رامشه / دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴

چکیده

نظریه اشتغال به قوانین عمومی حاکم بر بازار کار می‌پردازد و مبانی نظریه اشتغال را می‌توان در سه بخش مبانی فلسفی، تحلیلی و اقتصادی دسته‌بندی کرد. مبانی فلسفی، برداشت‌های معرفت‌شناسانه، هستی‌شناسانه و ارزش‌شناسانه‌ای هستند که به صورت استدلالی اثبات شده‌اند. مبانی تحلیلی از مبانی فلسفی انتزاع می‌گردند و پایه تحلیل‌ها و نظریات اقتصادی را شکل می‌دهند. مبانی اقتصادی نیز دیدگاه‌های اساسی در اقتصاد هستند که پایه شکل‌گیری تعدادی دیگر از نظریات در این علم می‌گردند. تبیین مبانی یک علم به رشد و تولید نظریات جدید در این دانش کمک شایانی می‌کند و تکیه بر مبانی مبین، سبب می‌شود که نظریه‌پردازان از خطای در اندیشه مصون بمانند. با وجود این، تلاش چندانی برای تبیین مبانی نظریات مرتبط با اقتصاد مقاومتی صورت نپذیرفته است. برای شناخت مبانی نظریه اشتغال در اقتصاد مقاومتی، می‌توان از روش اجتهاد مبتنی بر کتاب و سنت و مراجعه به کتب فلسفی و اقتصادی بهره برد.

کلیدواژه‌ها: مبانی فلسفی، مبانی تحلیلی، وظیفه‌گرایی، تربیت‌پذیری، سطح اطمینان.

مقدمه

و مفاهیم زیرمجموعه آن، چندان مورد بحث واقع نشده‌اند. با توجه به اینکه اقتصاد مقاومتی ضرورت انکارناپذیر امروز کشور ماست و یکی از حیطه‌های مهم اقتصاد مقاومتی بحث اشتغال است؛ ضروری است با تبیین مبانی اشتغال در اقتصاد مقاومتی، مقدمه ورود دقیق به حوزه پردازش نظریه اشتغال در چارچوب این اقتصاد را فراهم آوریم. از این رو، سؤال اصلی تحقیق، چیستی مبانی نظریه اشتغال در اقتصاد مقاومتی است و در خلال تبیین مبانی فلسفی نظریه اشتغال در اقتصاد مقاومتی و نیز برشمردن مبانی تحلیلی و اقتصادی نظریه اشتغال در اقتصاد مقاومتی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱. مبانی

اصطلاح «مبانی علم» در چهار معنا به کار رفته است: کلیات یک علم، مبانی تصویری و تصدیقی، دلایل یک نظریه علمی و دیدگاه‌های پایه که نظریات دیگر براساس آن استوار می‌شوند (توکلی، ۱۳۹۴).

منظور از مبانی در این نوشتار، همان معنای لغوی «مایینی علیه» یا دیدگاه‌های پایه‌ای است، که نظریه بر آن استوار است. مبانی فلسفی، دیدگاه محقق را در رابطه با جهان و انسان معین می‌کنند و با تعیین منابع شناخت و نیز شناسایی مقوله‌های ارزشمند در یک علم موجب می‌گردند که چارچوب کلی فکر و اندیشه برای تحقیق و کنکاش علمی، قوام یابد و نیز امکان خطای علمی و انحراف از مسیر صحیح تفکر کاهش پیدا کند.

مبانی تحلیلی، پل میان مبانی فلسفی و مبانی اقتصادی هستند و با تکیه بر مبانی فلسفی اقدام به تبیین مفاهیم و قواعد کلی در یک علم می‌کنند. با توجه به اینکه بین مبانی فلسفی و مبانی اقتصادی، یک سطح نظریاتی وجود دارد که در هیچ‌یک از دو دسته مذکور نمی‌گنجد، لازم است یک قسم از مبانی به‌عنوان مبانی تحلیلی در میان مبانی فلسفی و اقتصادی ذکر گردند. مبانی تحلیلی یک علم قابلیت کاربرد در علوم دیگر را نیز می‌توانند دارا باشند. مبانی فلسفی اقتصاد مقاومتی گزاره‌های خبری (اثباتی و یا هنجاری) هستند که دیدگاه پذیرفته‌شده در فلسفه اسلامی در خصوص معرفت، هستی و ارزش را منعکس می‌کنند.

۲. مبانی معرفت‌شناسی

راه‌های شناخت از نظر اسلام حس، عقل و وحی هستند و یافته‌های

مبانی نظریه اشتغال در اقتصاد مقاومتی شامل سه بعد مبانی فلسفی، تحلیلی و اقتصادی می‌گردد. از آنجا که کلیت اقتصاد مقاومتی در چارچوب اقتصاد اسلامی تعریف شده است؛ ناگزیر مبانی فلسفی آن نیز از مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی جدا نیست.

مبانی فلسفی یک نظریه، برداشت‌هایی در حوزه شناخت معرفت، هستی و ارزش‌ها هستند که به صورت استدلالی تأیید شده‌اند. این استدلال‌ها می‌توانند عقلی و یا نقلی باشند. مبانی تحلیلی نیز بر پایه مبانی فلسفی استوار می‌گردند و حد فاصل مبانی فلسفی و مبانی اقتصادی هستند. مبانی اقتصادی، منعکس‌کننده دیدگاه‌های عام اقتصادی هستند که رکن نظریات دیگر اقتصادی را تشکیل می‌دهند. مبانی نظریه اشتغال در تعیین مفاهیم اساسی مدل بازار کار در اقتصاد مقاومتی مانند تربیت‌پذیری، آزادی، مفهوم مسئولیت انسان و سطح اطمینان نقش اساسی دارند.

کتاب *کار در منابع اسلامی* (ولایی، ۱۳۷۸)، گرچه به جمع‌آوری آیات و احادیث مرتبط با کار پرداخته، اما به تبیین تفصیلی مبانی اشتغال توجه خاص نکرده و صرفاً مبانی را به صورت خام و در لابه‌لای آیات و روایات ذکر کرده است.

کتاب *اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی* (میرمعزی، ۱۳۸۴)، مباحث مرتبط با مبانی اقتصاد را به صورت مفصل و تقریباً جامع طرح کرده، سپس به بحث اشتغال از دیدگاه اقتصاد اسلامی نیز پرداخته است؛ لکن از مبانی اشتغال به صورت گذرا عبور کرده و توجه لازم را به این بخش نکرده است.

در کتاب *اقتصاد مقاومتی؛ درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها و برنامه عمل* (عبدالملکی، ۱۳۹۳)، به مبانی و تاریخچه اقتصاد مقاومتی توجه شده است؛ سپس مصنف به چند حوزه مهم در اقتصاد مقاومتی، یعنی تولید ملی، فرهنگ اقتصادی و سبک زندگی و روابط خارجی می‌پردازد و این مباحث را از دریچه اقتصاد مقاومتی پی می‌گیرد و اشاراتی نیز به بحث اشتغال در اقتصاد مقاومتی کرده است.

در کتاب *خاکریز اقتصادی؛ خوانشی بر اقتصاد مقاومتی* (توکلی، ۱۳۹۵)، به تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی پرداخته شده و دارای نکاتی اندک، ولی مفید در مورد بحث اشتغال است؛ لکن هیچ‌یک از دو کتاب مذکور، به این بحث به صورت تفصیلی نپرداخته‌اند.

در حقیقت با توجه به جدید بودن مفهوم اقتصاد مقاومتی، مبانی

حضرت حق ارائه گردد. با عنایت به اینکه ارتباط مستقیم با حضرت حق و نیز فرشتگان الهی، ظرفیتی عظیم می‌طلبد که از توان اکثر افراد بشر خارج است (موسوی خمینی، ۱۳۷۴، ص ۱۸)؛ دستورات خداوند از طریق فرستادگانی به نام انبیاء بر بندگان نازل می‌گردد و خداوند برای حفظ این تعالیم آسمانی نگاهبانانی معصوم معین کرده است. محقق اقتصاد مقاومتی نیز برای استنباط نظریاتی چون اشتغال نیازمند بهره‌گیری از تعالیم فوق است.

۳-۲. اعتقاد به جهان آخرت

حیات انسان با مرگ خاتمه نمی‌یابد و در عالم برزخ و پس از آن در جهان آخرت، به حیات خود ادامه می‌دهد (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۳). ترس از سوء الحساب در روز قیامت، نقش بسیار مؤثری در تصحیح رفتارهای انسان از جمله رفتارهای اقتصادی، نحوه کسب و کار و در یک کلام تحقق اشتغال مطلوب دارد. شکل‌گیری روحیه جهادی در فرد شاغل، ارتقای بهره‌وری نیروی کار و کمینه شدن پیامدهای منفی اشتغال از آثار اعتقاد به معاد است. از این رو، در نظریه اشتغال در اقتصاد مقاومتی باید به نقش اعتقاد به معاد در رفتارسازی فرد مؤمن توجه ویژه کرد.

۴. مبانی انسان‌شناسی

در اندیشه اسلامی، انسان دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۴-۱. نفس عقلانی

بخش عمده‌ای از فلاسفه مسلمان، موافق اند که نفس از بخش‌های عقلانی و غیرعقلانی ترکیب یافته است. ایشان بخش غیرعقلانی را به نفس نباتی و حیوانی و بخش عقلانی را به عقل عملی و نظری تقسیم می‌کنند. تمامی فلاسفه اسلامی معتقدند که بخش غیرعقلانی دارای ارتباطی وثیق (ذاتی) با بدن است (کریم، ۱۹۹۶، ج ۹، ص ۴۰). قوای عقلانی بر دو قسم‌اند: عقل نظری و عقل عملی (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ص ۶۴).

انسان طبق تعالیم قرآنی، بالقوه دارای بالاترین مراتب وجود در عالم هستی است و در حقیقت سبب می‌شود که انسان نه یک نوع، بلکه به فرموده فلاسفه اسلامی یک جنس باشد (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص

قطعی عقل با مطالب قطعی وحی، تناقضی ندارند. بدیهی است که حس، توان شناخت تمامی امور را ندارد و تنها در حوزه محسوسات قادر به اظهار نظر می‌باشد (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۶، ص ۱۵).

تمامی عالم بر اساس نظام علت و معلول ایجاد شده است (همان، ص ۲۴)؛ و این قانون در تمامی پدیده‌های هستی جاری است. بنابراین هر دو «برهان ان» و «برهان لم» (ر.ک: مظفر، ۱۴۲۳ق، ص ۳۶۲) ممکن است در شناخت این پدیده‌ها به کار گرفته شوند. با توجه به اینکه روش «ان» و روش «لم» اختصاص به برهان ندارند (ایزدی‌تبار، ۱۳۸۶)؛ می‌توان در استقرا و تمثیل نیز از این دو راه بهره برد.

در دانش اقتصاد از دو روش قیاسی و استقرائی استفاده می‌شود؛ روش قیاسی بر پایه روابط علی - معلولی بنا شده و با استفاده از روابط منطقی بین قضایا شکل می‌گیرد. با تطبیق این امر بر آنچه که در برهان ان و لم گفتیم، معلوم می‌گردد که کاربرد روش قیاسی در مباحث اقتصاد مقاومتی، از نظر شناخت‌شناسی اسلامی صحیح است. روش استقرائی مبتنی بر بررسی جزئیات و داده‌های آماری با هدف دستیابی به نتایج، قواعد و احکام کلی است. اگرچه این روش تفاوت‌های مشخصی با روش قیاس دارد؛ لکن اساس آن مبتنی بر وجود نظام علت و معلول در هستی است؛ زیرا بدون وجود نظام علیت، ممکن است از هر بار بررسی جزئیات به یک قانون کلی جدید برسیم. با پذیرش نظام علیت و نیز با توجه به جریان روش «ان» در استقرا، حکم به صحت استفاده از روش استقرائی می‌کنیم.

۳. مبانی هستی‌شناسی

بنا بر دیدگاه اسلام، جهان را خالق است یکتا که مستجمع جمیع صفات حمیده و بری از تمامی صفات رذیله و ناپسند است. او خالق هستی است و این خلق، آن به آن از سوی خداوند افاضه می‌شود (حسینی تهرانی، ۱۴۲۳ق، ج ۶ ص ۲۳۲). این خلق مداوم، قهراً با تدبیر عالم نیز همراه است. خداوند است که تمامی هستی را لحظه به لحظه تدبیر می‌کند. تنها اوست که رب‌العالمین است و توحید ربوبی در سایه یگانگی آفریننده شکل می‌گیرد.

۳-۱. توحید در ربوبیت

توحید ربوبی در دو مجال تکوینی و تشریحی مطرح می‌گردد. توحید در تشریح اقتضا می‌کند، تمامی قوانین حیات انسان تنها توسط

انسان، گرایش وی به کمال و جمال بی‌نهایت، یعنی خداوند متعال است و اگر این کمال طلبی و میل به اتصال به کمال مطلق در انسان دچار انحراف گردد، او میل بی‌نهایت به قدرت، ثروت و اموری از این دست، پیدا می‌کند و به‌صورت سیری‌ناپذیر در پی آنها می‌رود (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۲۰۸).

ویژگی‌های انسان عقلایی در اقتصاد سرمایه‌داری نظیر حداکثرخواهی، لذت‌طلبی و گرگ‌صفتی، در اندیشه اسلامی برای انسانی جدا افتاده از فطرت ذکر می‌شود. توجه دادن به میل و گرایش فطری بشر نقش مهمی در تحلیل‌های مرتبط با عرضه و تقاضای بازار کار در اقتصاد مقاومتی دارد.

۴-۴. تربیت‌پذیری

انسان قابلیت تربیت و تأدیب را دارد؛ پس می‌توان به تحلیل منشأ رفتار وی نشست و رفتارهای او را جهت‌دهی کرد. این قابلیت تأدیب و تربیت در حقیقت یکی از شئون وجود اختیار و نیز آزادی طبیعی در انسان است. بر پایه این خصوصیت انسان، ادیان الهی سعی در هدایت بشر و اصلاح رفتار وی دارند. ادیان بر دو پایه اعتقادات و عملکردها استوارند و می‌کوشند مردم را هم در بعد باور و هم در بعد کردار هدایت کنند (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۶، ص ۱۷). پس برای تربیت «انسان اقتصاد مقاومتی» که مقوم نظریه اشتغال در این اقتصاد است و فردی با مشخصه حرکت جهادی است، باید تفکر و رفتار وی را با هم مدنظر قرار داد و جهت‌دهی کرد.

۴-۵. مسئولیت انسان

انسان به دلیل دارا بودن ویژگی‌های منحصر به فردش، در برابر خداوند، اولیاء الهی و جامعه مسئول است (همان، ص ۳۰). همچنین انسان در برابر نفس خویش و توانایی‌ها و استعدادهایی که خداوند به او داده، مسئول است. این مسئولیت‌های چندجانبه سبب می‌شود که فرد در تمامی عرصه‌های زندگی از جمله عرصه اقتصاد و انتخاب شغل، با تکیه بر وظیفه‌گرایی خویش، در پی بالاترین سطح اطمینان از انجام وظایف خود باشد.

۴-۶. اعمال انسان

بین اعمال انسان و امور تکوینی رابطه وجود دارد و کردار انسان علاوه بر آثار اخروی در این دنیا نیز دارای اثر است. آیه شریفه «وَلَوْ

۴۰۳). وی می‌تواند در مرتبه پست‌ترین موجودات قرار گیرد (فرقان: ۴۴) و یا در عرش الهی معلم ملائکه و مسجود آنها باشد (بقره: ۳۰) و برتر از فرشتگان به بالاترین مرتبه قرب یعنی «قاب قوسین او ادنی» (نجم: ۸) دست یابد و بر روی زمین به‌عنوان خلیفه‌الله نائل آید. البته لازمه این حرکت در مراتب کمال ویژگی منحصر به فرد انسان، یعنی اختیار است. انسان در دیدگاه اسلام موجودی است که به دلیل داشتن اختیار، امکان حرکت در مراتب وجود برای وی میسر است. بعد معنوی انسان با داشتن قدرت اختیار است که می‌تواند مراتب متفاوتی از کمال را دارا باشد و این اختیار در حقیقت از شئون نفس انسانی است.

براین اساس نمی‌توان با دید یک کالا به انسان نگریست. نفی انسان کالاپنداری سبب می‌شود که بازار عرضه نیروی کار بازاری متفاوت از سایر بازارها گردد.

۴-۲. آزادی

آزادی موهبتی الهی برای انسان است که سبب می‌شود انسان از قوه اختیار خود در جهت رشد و کمال خویش بهره‌بردار (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۶، ص ۳۵). با توجه به اهمیت آزادی و نقش آن در سعادت انسان، وی حق ندارد این نعمت الهی را از خویشتن زائل کند. امیرمؤمنان علی^{علیه السلام} در این باره فرموده‌اند: «بنده دیگری مباش؛ زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۱۱)؛ نیز فرموده‌اند: «خداوند تمامی امور مؤمن را به وی واگذار کرده است؛ به غیر از اینکه مؤمن مجاز نیست خود را دلیل کند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۶۳).

این آزادی که برای انسان در عرصه‌های مختلف اجتماعی نیز وجود دارد، دارای قیدی مهم است و آن عدم منافات با تکامل معنوی انسان و نیز نداشتن تعارض با مصالح عمومی اجتماع است (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۶، ص ۳۵).

خداوند حکیم نیز در چارچوب‌های فوق، و براساس مصالح و مفاسد، آزادی حقیقی و ضابطه‌مندی را برای انسان در امور اقتصادی مانند آزادی در مالکیت، انتخاب شغل، تصرفات در مال و... به رسمیت شناخته است.

۴-۳. فطرت

تمامی انسان‌ها با فطرتی پاک و خداجو متولد می‌شوند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۲). یکی از مهم‌ترین خصوصیات فطری

صراط حق و راه راست را انتخاب کرده‌اند؛ دسته دوم راه عناد را می‌پیمایند و مورد غضب الهی واقع شده‌اند؛ و دسته سوم از راه حق منحرف شده و نادانسته در راه گمراهی قدم می‌زنند. این ترجمه که علاوه بر مطابقت آن با ظهور آیه شریفه، هماهنگ با روایت امام هشتم علیه السلام (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۱۰) نیز می‌باشد، با واکاوی بیشتر، نکات ارزشمندی را در پیش‌روی قرار می‌دهد.

صراط بنا بر لغت، مسیری هدفدار و جهت‌مند است (ابن‌درید، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۷۱۴) که پیماینده خود را به مقصد می‌رساند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۵۹). از این رو، در معنای صراط، هم قصد وجود دارد و هم هدفداری. چون در آیات حرکت در صراط به هر سه قسم انسان‌ها نسبت داده شده است؛ در نتیجه مسیر زندگی هر سه دسته انسان‌ها توسط آنها قصد می‌گردد و آنها در این مسیر در پی رسیدن به هدفی هستند؛ یعنی براساس معنای لغوی آیه شریفه و تفسیر روایی آن، تمامی انسان‌ها هدفی را معین کرده و برای رسیدن به آن مسیری را می‌پیمایند.

۲-۶. وظیفه‌گرایی

در فلسفه اخلاق، وظیفه‌گرایی مجموعه‌ای از نظریه‌های اخلاق اطلاق می‌شود که بر ارزش ذاتی اعمال تأکید دارند و نقطه مرکزی ارزش در این نظریه‌ها خود عمل است و در مقابل نظریه‌های فضیلت‌گرا و غایت‌گرا قرار می‌گیرد. برای تبیین نظریه وظیفه‌گرایان می‌توان گفت: «فلسوف وظیفه‌گرا معتقد است که عمل یا قاعده می‌تواند اخلاقاً درست یا الزامی باشد، حتی اگر بیشترین غلبه خیر بر شر را برای خود شخص، جامعه یا جهان را به‌وجود نیاورد» (فرانکنا، ۱۳۷۶، ص ۴۷)؛ یعنی عمل صرف‌نظر از نتیجه‌ای که در پی دارد، قابل بررسی است و ارزش عمل بر ارزش نتیجه‌ای که ایجاد می‌کند، مبتنی نیست.

هر سه دسته این نظریات صرف‌نظر از وجود خداوند و توحید و...

نیز می‌توانند مطرح گردند؛ لکن وظیفه‌گرایی در این تحقیق برخاسته از فرهنگ توحیدی و تصور رابطه مخلوق با خالق و رابطه مولویت حقیقی خداوند با بندگان خویش است. این نوشتار درصدد ایجاد تقابل میان مفهوم وظیفه‌گرایی و مطلوبیت است. پیش‌فرض بحث این است که انسان به‌صورت مطلق خودگرا نیست؛ بلکه خودگروی در موقعیتی مطرح می‌شود که انسان تحت تأثیر عالم مادی پیرامون خویش قرار گرفته و از فطرت خویش غافل گردد. اما انسانی که

أَنْ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶) اشاره به این امر دارد. از این رو، تلاش مؤمنانه فرد در عرصه اقتصادی و اشتغال، علاوه بر اجر اخروی، دارای آثار و برکات تکوینی در این جهان است.

۵. مبانی ارزش‌شناختی

دیدگاه ما درباره ارزش‌ها، منشأ ارزش‌گذاری و معیار ارزش‌گذاری است، که نقشی جدی در هدف‌گذاری فعالیت‌های اقتصادی و تبیین اشتغال مطلوب دارد.

برخی از مبانی ارزش‌شناختی، نظیر ثبات و یا نسبی بودن ارزش‌ها، معیار ارزشمندی اعمال و ارزش فعالیت اقتصادی در اسلام از امور مهمی هستند که با توجه به تأثیر مستقیم آنها در تدوین نظریه اشتغال، لازم است نظریه اسلام در این امور استخراج گردد.

۵-۱. ثبات ارزش‌ها در اسلام

دستورات اسلامی و ارزش‌ها در اسلام برای یک دوره زمانی معین طراحی شده‌اند، بلکه تعالیم اسلامی دارای ظرفیت‌های ویژه‌ای هستند که قابلیت تطبیق در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها را دارا می‌باشند (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۶۸۶). در دیدگاه اسلام ضوابط، سفارش‌ها و دستورالعمل‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده که هم‌زمان با رشد اقتصادی، اخلاق نیز در جامعه رشد می‌یابد، تا افراد در مسیر تکامل قدم بردارند. اسلام در تمامی زمینه‌ها از جمله در عرصه تولید و توزیع دارای ارزش‌های ثابتی است (همان، ص ۳۶۲) که پای‌بندی به آنها سبب تحقق حیات طیبه در جامعه می‌گردد. در پرتو این اندیشه، تلاش برای کسب ثروت و کار اقتصادی در چارچوب مشخص، هیچ‌گاه سبب فاصله گرفتن انسان از ارزش‌های انسانی نمی‌گردد؛ بلکه خود دارای ارزشی والا است.

۶. معیار ارزشمندی اعمال در اسلام

۱-۶. هدف‌گرایی

بنا بر متون دینی و ادله عقلی، هیچ انسانی در زندگی، بدون هدف نیست و با توجه به موهبت الهی اختیار و نیز آزادی، می‌تواند به‌سوی هدف خویش گام بردارد. در سوره «فاتحه»، خداوند متعال انسان‌ها را نسبت به راهی که می‌پیمایند به سه دسته تقسیم می‌کند: دسته اول کسانی هستند که منتعم به نعم الهی بوده و

اقتصاد سرمایه‌داری به دلیل توجه صرف به بعد مادی انسان، همواره از مطلوبیت و سود می‌گوید. در این دیدگاه مادی که آخرتی را برای خود متصور نیست؛ باید حداکثر سود و یا لذت را از این دنیا و زندگی آن کسب کرد. با توجه به نگرش متفاوت این دیدگاه با دیدگاه اسلامی، نمی‌توان از ادبیات اقتصاد سرمایه‌داری و بخصوص مطلوبیت‌گرایی بتهام در اقتصاد اسلامی بهره جست.

اشکال عمده استفاده از ادبیات مطلوبیت‌گرایی و سودگرایی در اقتصاد اسلامی این است که نمی‌توان با گسترش معنای سود و مطلوبیت، به امور اخروی، این دیدگاه را بر رفتار تمامی انسان‌های مؤمن تطبیق داد. امیرمؤمنان^ع در روایت شریف (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۹۹) انگیزه مؤمنان در اطاعت و عبادت را سه قسم ذکر می‌کنند: دسته‌ای از بندگان، شوق به بهشت و دسته دیگر ترس از عذاب و دسته سوم شکرگزاری به پیشگاه خداوند است. سودگرایی و منفعت‌طلبی رفتاری که براساس به‌جای آوردن شکر منعم است را نمی‌تواند تحلیل کند. در نتیجه نمی‌توان ملتزم شد که همه مؤمنان در پی سود و یا مطلوبیت هستند.

اساساً با در نظر نگرفتن عنصر وظیفه‌گرایی، توانایی تحلیل رفتار فرستادگان الهی و معصومان و گروهی از مؤمنان را از دست می‌دهیم. تصور اینکه حضرت ابراهیم^ع قصد دارد سر فرزندش را برای کسب مطلوبیت بیشتر، ولو در قالب اخروی آن، با دست خود از تن جدا کند، امری دشوار است. با حذف عنصر وظیفه‌گرایی و تأکید بر مطلوبیت و سودمحوری، دلیلی ندارد که امام حسین^ع تمام خاندان خود را در معرض اسارت و شهادت قرار دهد؛ زیرا سود و نفع می‌توانست در قالب دیگری چون جهاد در سرحدات با کفار و یا عبادت در جوار بیت‌الله الحرام و مسجدالنبی کسب گردد.

نمی‌توان لحظه دیدن جنازه شهید توسط والدینش را با عنوان سودطلبی توجیه کرد. بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی مؤمنان در طول تاریخ که رنج بسیاری را نیز برای آنها به همراه داشته است، در چارچوب سودطلبی قابل تحلیل نیست.

نکته دیگر این است که در نظر گرفتن ادبیات مطلوبیت‌گرایی سبب می‌شود که قوانینی چون کاهنده بودن مطلوبیت نهایی نیز مطرح گردد. این قانون صرف‌نظر از ابهاماتی که در استفاده از برخی کالاهای مادی با آن روبه‌روست؛ مانند استفاده از هوای پاک و بدون آلودگی، استفاده از اکسیژن، استفاده از تمامی کالاهایی که امنیت

تمامی هستی را «او» می‌بیند، برای خود، خودی نمی‌بیند تا در مقام تصمیم‌گیری خودگرا باشد؛ بلکه او عبدی است که اقتضای عبودیت وی، وظیفه‌گرایی است. بدیهی است این نوع از وظیفه‌گرایی اگرچه در لفظ و حتی در معنا دارای تشابه با وظیفه‌گرایی فلسفه اخلاق است؛ لکن از آنجا که براساس مفهوم عبودیت شکل گرفته و در مقابل مطلوبیت‌گرایی برخاسته از خودگرایی مطرح می‌گردد، بین این دو مفهوم از وظیفه‌گرایی تمایزاتی آشکار وجود دارد.

۳-۶. وظیفه‌گرایی هدفمند

بنابر روایت امام رضا^ع (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۱۰)، دسته‌ای هدفی نادرست را انتخاب می‌کنند و آگاهانه در آن قدم می‌زنند؛ اینان مورد غضب الهی هستند. دسته دوم هدفی صحیح را انتخاب می‌کنند و نادانسته مسیری دیگر را می‌پیمایند؛ اینان «ضالین» و یا همان گمراهان هستند. گمراهان تصور می‌کنند که مسیری صحیح را انتخاب کرده‌اند و پندارشان این است که مشغول به انجام امور نیک هستند؛ اما حقیقت با پندار آنان متفاوت است. دسته سوم هدفی صحیح و مسیری صحیح را انتخاب کرده و در آن سیر می‌کنند؛ اینان مشمول نعمت الهی هستند.

با اندکی تأمل در این تقسیم‌بندی کلی انسان‌ها، مشخص می‌شود که هر انسان در زندگی خود هدفی را معین می‌کند و در طول زندگی تلاش می‌کند که به این هدف نزدیک شود. هدف، خواه هدفی مؤمنانه باشد و خواه شیطانی، در هر صورت، برای تمامی افراد و در زندگی همه انسان‌ها وجود دارد و نوع بشر همواره در حال سیر به سوی هدفی است که برای خود تعیین کرده است. برای رسیدن به هر هدفی، باید‌ها و نبایدهایی وجود دارد و در ورای هر تعیین هدفی، تعیین وظیفه‌ای نهفته است. وظیفه، شامل اموری است که سبب سیر به سوی هدف می‌شود. برای هر انسان بهترین حالت این است که در ورای تمامی کارهای خود، بیشترین سطح اطمینان را از انجام وظیفه کسب کند.

۳-۶. وظیفه‌گرایی هدفمند، جایگزینی برای مطلوبیت‌گرایی

می‌توان اندیشه وظیفه‌گرایی را با اندیشه مطلوبیت‌گرایی جایگزین کرد. برای تبیین این اندیشه باید به مبانی انسان‌شناسی توجه شود.

رسالت انسانی خویش است و همواره در پی حداکثر کردن اطمینان خود از انجام وظیفه‌های است که برای خویشتن تصور کرده است.

۶-۵ مفهوم سطوح اطمینان در چارچوب وظیفه‌گرایی هدفمند

مولویت خداوند بر بندگان، ذاتی است و ناشی از مقام خالقیت حضرت حق است (صدر، ۱۴۳۳ق، ج ۴، ص ۲۹). از نظر عقلی این مولویت اقتضا می‌کند که بندگان تمامی تلاش خود را در انجام تکالیف الهی به کار گیرند؛ و واجب است تمامی تکالیف را با هر درجه‌ای از احتمال، اطاعت کنند (همان، ج ۵، ص ۲۸). به عبارت دیگر، مقتضای مولویت حقیقی خداوند و عبودیت محض انسان در پیشگاه حضرت رب‌العالمین این است که بنده همواره در پی کسب بالاترین سطح اطمینان از انجام وظیفه خویش باشد. اهل بیت علیهم‌السلام نیز اهتمام ویژه‌ای در خصوص تقویت این اندیشه در پیروان خویش داشته‌اند. احادیث بسیاری از امامان معصوم علیهم‌السلام مؤمنان را به وصول به بالاترین سطح اطمینان را در انجام وظایف الهی تشویق کرده است.

چون کسب بالاترین سطح اطمینان نسبت به برخی پدیده‌ها در وجود انسان یقینی و بدیهی است. اهل بیت علیهم‌السلام گاه دستورات دینی را نیز به این امور تشبیه می‌کردند و از مؤمنان می‌خواستند که این ویژگی را در وظایف دینی نیز پیاده کنند. مانند اینکه گاه دین را مانند برادر انسان معرفی کرده و فرموده‌اند همان‌طور که تلاش می‌کنید، بالاترین سطح اطمینان از حفاظت از برادر خود را کسب کنید با دین خود نیز این‌گونه رفتار کنید (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۹۷). یا در روایت دیگر، امام محرمات الهی را به قرقگاه تشبیه کرده و فرموده‌اند چنان‌که یک چوپان برای کسب اطمینان خاطر حداکثری از رفتن گوسفندان خود در قرقگاه با فاصله مناسبی از آن حرکت می‌کند؛ شما نیز بدین صورت نسبت به ورطیدن در حرام حساس باشید (همان، ص ۳۸۱).

این احادیث به‌خوبی گویای سیره امامان معصوم علیهم‌السلام در ترغیب به این امر است که مؤمنان باید نهایت اطمینان را از انجام وظیفه کسب کنند. توصیه به احتیاط نه‌تنها در شبهات تحریمیه؛ بلکه در تمامی امور یک مؤمن صورت گرفته است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۶۷) و مطلق احتیاط به‌عنوان امری مطلوب در نزد شارع معرفی شده است. در نتیجه می‌توان گفت، خداوند می‌خواهد انسان مؤمن به بالاترین سطح اطمینان خاطر از ادای وظیفه برسد.

لازم را برای انسان فراهم می‌کنند، استفاده از کلیه وسائلی که خدمات مناسب شهری را ارائه می‌کنند و یا بهره بردن از نظم اجتماعی و اموری مانند آنکه نمی‌توان نقطه اشباعی برای آن تصور کرد و یا اساساً کاهنده بودن مطلوبیت را در آنها مطرح کرد؛ اساساً قدرت تحلیل چندانی را در امور معنوی دارا نیست.

در حقیقت نمی‌توان این قانون را در مورد مطلوبیت مطالعه و تحقیق برای دانشمندان برجسته و یا مطلوبیت عبادت و خدمت به بندگان خدا در مورد صالحین و اولیاء الهی تطبیق داد. نمی‌توان علم را برای دانشمندی که مجنون‌وار به علم عشق می‌ورزد، ملال‌آور دانست. حتی در مورد افراد عادی هم گاهی این قانون قدرت تحلیل خود را از دست می‌دهد. اگر محدودیت منابع مالی را در نظر نگیریم؛ صدقه دادن در واحد اول با واحد صدم هیچ تفاوتی در مطلوبیت ندارد؛ حتی اگر به‌دلیل محدودیت مالی، توان صدقه دادن نیز محدود باشد. اما در همان واحدهای پولی صدقه داده‌شده نمی‌توان بحث کاهنده بودن مطلوبیت نهایی را مطرح کرد. مثلاً فردی می‌خواهد صد اسکناس ده‌هزار تومانی را صدقه بدهد؛ آیا می‌توان گفت مطلوبیت ایجادشده توسط اسکناس اولی که صدقه داده می‌شود از مطلوبیتی که اسکناس پایانی به فرد می‌دهد، بیشتر بوده است؟

معتقدان به این قانون، کاهنده‌بودن مطلوبیت نهایی را در تمامی زمینه‌ها حتی در مورد امور غیرمادی و کالاهای رایگان نیز مطرح می‌کنند (سبحانی، ۱۳۷۲، ص ۷). گو اینکه اقتصاددانان این قاعده را به‌مثابه قاعده عقلی پنداشته‌اند که نمی‌توان هیچ مورد نقضی برای آن یافت.

از این‌رو، به‌نظر می‌رسد در اقتصاد اسلامی و به‌صورت خاص در اقتصاد مقاومتی، به‌جای استفاده از ادبیات سودگرایی غربی، بهتر است از ادبیات وظیفه‌گرایی استفاده کرد؛ عنوانی عام که رفتار تمامی انسان‌ها با اختلاف وظایفی که انتخاب می‌کنند را دربر می‌گیرد.

به‌عبارت دیگر، این ادبیات قادر است رفتار تمامی انسان‌ها را تحلیل کند؛ زیرا هر انسان، به‌گونه‌ای خاص، وظیفه را برای خود تعریف می‌کند. انسان مؤمن وظیفه خود را حرکت در مسیر انجام دستورات الهی می‌بیند و چون خود را عبد خداوند می‌بیند، اراده‌ای از خود در برابر اراده الهی ندارد و نمی‌خواهد که داشته باشد.

انسانی با گرایش مادی و بدون اعتقاد به جهان پس از مرگ، وظیفه خود را این می‌داند که بیشترین لذت ممکن را از این دنیا ببرد و زمانی که در این مسیر گام برمی‌دارد، احساس می‌کند که در حال ادای

اقتصادی اهتمام می‌ورزیدند که گاه از سوی برخی افراد به دنیاگرایی متهم می‌شدند. *محمد بن المنکدر* می‌گوید: در روزی بسیار گرم، امام باقر^ع را در اطراف مدینه دیدم که با سختی و زحمت به فعالیت مشغول بود. نزدیک شدم و سلام عرض کردم، ایشان درحالی‌که نفس نفس می‌زدند و عرق از پیشانی‌شان جاری بود، پاسخ مرا دادند. به قصد نصیحت به ایشان عرض کردم که پسندیده نیست که بزرگی از مشایخ قریش در این وقت و با این حالت در پی دنیا باشد؛ و حال شما چگونه خواهد بود اگر مرگ شما در این حالت فرارسد؟ امام^ع در پاسخ وی، حال خود را حالت عبادت خداوند می‌دانند و علت را این‌گونه بیان می‌کنند که کار سبب حفظ عزت نفس و بی‌نیازی خود و خانواده‌اشان از مردم می‌شود (همان، ص ۱۹).

۷. مبانی تحلیلی نظریه اشتغال در اقتصاد مقاومتی

مبانی برخاسته از مبانی فلسفی که حد فاصل این مبانی با مبانی اقتصادی هستند و اندیشه‌های اقتصادی بر آنها مبتنی می‌گردند را مبانی تحلیلی نام می‌گذاریم. اینک به تبیین مبانی تحلیلی نظریه اشتغال در اقتصاد مقاومتی خواهیم پرداخت.

۷-۱. ضرورت کار برای انسان

در دیدگاه اقتصاد متعارف کار دارای عدم مطلوبیت ذاتی است. این دیدگاه کار را امری رنج‌آور دانسته که تنها ثمره آن برای فرد، ایجاد درآمد است و شخص براساس مطلوبیت ناشی از درآمد، تصمیم به عرضه نیروی کار خود می‌گیرد (دادگر، ۱۳۸۳، ص ۳۶۹). اما در دیدگاه اسلامی، کار برای حفظ سلامت انسان ضروری است. در این راستا امام صادق^ع کار را سبب لذت بردن انسان از زندگی خویش معرفی می‌کنند و بیان می‌دارند که اگر تمامی امور برای انسان فراهم می‌بود و او نیاز به کار و فعالیت نداشت، از زندگی خویش دلزده می‌گشت. ایشان کار را برای سلامتی روان بشر ضروری می‌دانند و می‌فرمایند: بیکاری سبب طغیان، سرکشی و فساد انسان می‌گردد (مفضل بن عمر، ۱۳۷۶، ص ۸۶).

۷-۲. حداکثر کردن سطح اطمینان از انجام وظیفه توسط نیروی کار

براساس آنچه که گفته شد، کارگران به بنگاه‌هایی جذب می‌شوند که از اشتغال در آنها احساس اطمینان خاطر بیشتری از ادای وظیفه پیدا کنند.

این تأکیدات به‌گونه‌ای بوده که حسن احتیاط و کسب بالاترین سطح اطمینان از ادای وظیفه به‌صورت قاعده‌ای پذیرفته شده در میان فقها درآمده و فقهای عظام بارها در ابواب مختلف فقهی به این قاعده تمسک کرده‌اند (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۴۲۵). ارزش کسب بالاترین سطح اطمینان از انجام وظیفه به‌گونه‌ای است که امیرمؤمنان^ع در عهدنامه مالک/اشتر، برترین افراد امت را افرادی می‌داند که بیشترین احتیاط را در شبهات می‌کنند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۵۷). کسی که سعی می‌کند بالاترین سطح اطمینان را در موارد مشکوک کسب کند، مسلماً در واجبات و محرمات قطعی نیز با جدیت بیشتری در پی کسب بالاترین سطح اطمینان از انجام وظایف خود است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۷۵).

۶-۶. ارزش کار در اسلام

کار و تلاش به‌منظور کسب رزق حلال یکی از اصلی‌ترین مایه‌های سعادت آدمی است. آثار کار را می‌توان در دو شاخه دنیوی و اخروی تبیین کرد. فعالیت اقتصادی در دنیا، پیامدهای مثبتی در زمینه مادی و معنوی از خود به‌جای می‌گذارد. از این‌رو، پیشوایان معصوم^ع همواره بر اهمیت و آثار اشتغال و فعالیت اقتصادی تأکید ورزیده‌اند.

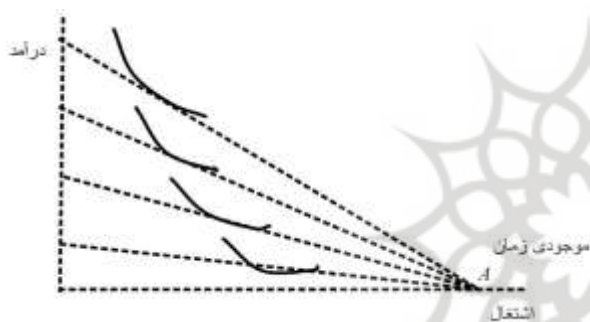
در این مکتب، اولین پیامد اشتغال در زندگی آدمی حفظ عزت و کرامت انسانی فرد است. *معلی بن خنیس* می‌گوید: «روزی دیرتر از معمول به بازار می‌رفتم که با امام صادق^ع مواجه شدم. ایشان فرمودند صبح زود به‌سوی عزت خود بشتاب» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۱۰). در روایتی دیگر، *علی بن عقبه* می‌گوید، امام ضمن توصیه به یکی از یاران خود در مورد حفظ عزتش، عزت را تلاش اقتصادی و تجارت معنا کردند و یار دیگرشان را به دلیل اینکه تجارتش را یک روز ترک کرده بود، توبیخ کردند (همان، ص ۱۳).

با کندوکاوی اندک در روایات، این معنا پدیدار می‌شود که معصومان^ع پیش از اینکه یارانشان را به کار تشویق کنند، خودشان در فعالیت اقتصادی و کسب رزق حلال پیشگام بوده‌اند. چنانچه امام صادق^ع در پیام عمومی، شیعیان را به پیروی از روش عملی خاندان وحی در تلاش و کار فرامی‌خواند و می‌فرمایند: شما شیعیان را به تلاش و سخت‌کوشی سفارش می‌کنم. همواره از ابتدای روز به دنبال رزق حلال باشید؛ ما اهل بیت، این سفارش را به یکدیگر نیز می‌کنیم (همان، ص ۲۲).

خاندان وحی چنان بر این سیره استوار بودند و نسبت به فعالیت

مگر اینکه ادای این کارها به گونه‌ای باشد که مانع از ادای کارهای لازم دیگر نگردد. مراد از لزوم، لزوم فقهی نیست؛ بلکه مطلق کارهایی که برای حیات انسان شرعاً و عقلاً مفید و لازم‌اند، می‌توانند سبب بالابردن سطح اطمینان گردند. مانند کار و تلاش، خوردن غذا، مطالعه، عبادت و... پیش فرض ترسیم نمودارهای سطوح اطمینان، کنار گذاردن فرض عدم مطلوبیت و رنج‌آوری صرف کار و اشتغال است. اگرچه انسان مؤمن در اثر کار و تلاش دچار خستگی می‌گردد، اما به کار و تلاش به دیده امری منفور و رنج‌آور نمی‌نگرد. در این منحنی‌ها فرد با تکیه بر اشتغال و درآمد می‌تواند به سطوح بالای اطمینان از ادای وظیفه دست یابد.

نمودار منحنی‌های سطوح اطمینان



۸. مبانی اقتصادی اشتغال در اقتصاد مقاومتی

۸.۱. عرضه کار در تمامی سطوح دستمزد

با عنایت به اینکه کار برای سلامتی نوع بشر حیاتی است؛ انسان با هیچ دستمزدی عرضه کار خود را صفر نمی‌کند و تنها در دستمزدهای بسیار پایین، عرضه کار وی کاهش می‌یابد. این ویژگی مختص به انسان اقتصاد مقاومتی نیست؛ بلکه برای تمامی انسان‌ها صدق می‌کند. نظیر یک راننده تاکسی که هزینه بالای ماشین او با درآمد او عملاً برابر، یا بسیار نزدیک است؛ یا کشاورزی که زمین کشاورزی آنها دارای مساحت اندک است و درآمد آنان عملاً با هزینه‌کردشان برابر است؛ یا مغازه‌داری که عملاً هزینه مغازه او جبران نمی‌شود و یا کسی که با دستمزد تقریباً صفر یا رایگان برای اماکن مذهبی و یا خیریه فعالیت می‌کند. تمامی این افراد مثالی هستند برای این معنا که عرضه کار صفر، معنای واقعی ندارد. می‌توان گفت در کوتاه‌مدت فرد ممکن است با دستمزد منفی هم به کار خود ادامه دهد؛ بلکه فرد در میان‌مدت نیز می‌تواند با دستمزد صفر یا منفی به کار اشتغال داشته باشد. می‌توان دو دلیل عمده زیر

کارگر هم باید درآمد مناسب برای تأمین زندگی خود و خانواده‌اش را دارا باشد و هم اطمینان یابد با اشتغال در این بنگاه و تولید کالای مشخص، در مفیدترین حالت ممکن در حال خدمت به جامعه اسلامی و اطاعت از اوامر الهی است. با توجه به ضرورت مقاوم‌سازی اقتصاد، نیروی کار در شرایطی به بالاترین سطح اطمینان از ادای وظیفه دست می‌یابد که در راستای مقاوم‌سازی و استحکام بنای اقتصادی جامعه اسلامی گام بردارد. کسب بالاترین سطح اطمینان از انجام وظیفه چندبعدی فرد، مهم‌ترین هدف وی در تصمیم‌گیری اقتصادی است. از این رو، بنگاهی را انتخاب می‌کند که ضمن فعالیت در راستای تولیدی که به ارتقای جنبه مقاومتی شدن اقتصاد جامعه کمک می‌کند و بالاترین درآمد حلال را نیز نصیب وی می‌کند.

۷-۳. منحنی‌های سطوح اطمینان

منحنی‌های سطوح اطمینان، از تابع اطمینان که نشانگر اطمینان خاطر کسب‌شده از انجام وظایف فرد است، به دست می‌آید. پیش از این گفته شد که حداکثر کردن اطمینان از انجام وظیفه، امری است که بر تمامی رفتار انسان‌ها حاکم است.

بر روی منحنی‌های سطوح اطمینان، فرد مؤمن از یک سطح اطمینان در ازای انجام ترکیبی از وظایف خود برخوردار است. مثلاً انسان مؤمن، نسبت به اشتغال به دو ساعت خدمت‌رسانی به مردم و نیز یک ساعت مطالعه با انجام یک ساعت‌ونیم خدمت به مردم و سه ساعت مطالعه، احساس اطمینان واحدی از انجام وظیفه می‌تواند داشته باشد.

بدیهی است که همین فرد در اثر پنج ساعت خدمت‌رسانی و چهار ساعت مطالعه به سطح بالاتری از اطمینان از ادای وظیفه، نسبت به حالت قبل دست می‌یابد.

کلیه اموری که در راستای ادای وظایف الهی و انسانی افراد هستند و ممکن است سبب اطمینان خاطر از ادای وظیفه فرد گردند، می‌توانند در این منحنی‌ها تحلیل گردند.

شیب منحنی‌های سطوح اطمینان غالباً نزولی است؛ زیرا خداوند انسان را چندبعدی خلق کرده و شخص باید به تمامی ابعاد زندگی خود اهتمام ورزد. لذا پس از اینکه فرد مدتی به ادای یک وظیفه معین مشغول گردید، با ادامه انجام این کار، اطمینان بخشی عمل برای فرد کاهش می‌یابد؛ زیرا اهتمام بیش از حد به یک عمل، او را از انجام امور دیگر بازمی‌دارد.

را برای فعالیت فرد در دستمزدهای بسیار پائین ذکر کرد:

۱. به دلیل علاقه شخصی و یا انگیزه‌های نوع دوستی و یا مذهبی؛
 ۲. به دلیل ریسک‌پذیر نبودن فرد و امید وی به آینده.
- در این موارد فرد هزینه زندگی خود را از منابع دیگر مانند شغل دوم، ثروت، تکافل اجتماعی و یا کمک‌های دولتی تأمین می‌کند. در بلندمدت نیز با دستمزد صفر و حتی منفی، امکان عرضه نیروی کار در مورد یک فرد مطرح است. در این موارد انگیزه شخص تنها بخش اول یعنی علاقه شخصی و یا انگیزه‌های مذهبی و انسانی است و هزینه‌های زندگی وی نیز از منابع دیگر تأمین می‌گردد.
- در جامعه اسلامی، احتمال تحقق مواردی از این دست بسیار بالاست؛ زیرا به دلیل تکافل اجتماعی قوی و لزوم تأمین ملزومات حداقلی زندگی افراد توسط دولت، شخص دغدغه تأمین حداقل معاش را ندارد. لذا تصور عرضه کار صفر در اقتصاد مقاومتی، محال است. لازم به تأکید است که در این موارد فعالیت فرد فاقد توجیه اقتصادی است و دلایل غیراقتصادی ادامه کار را موجه جلوه می‌دهند؛ زیرا شخصی که دغدغه تأمین حداقل معیشت را ندارد و از طرف دیگر، براساس آموزه‌های فرهنگی، کار کردن را برای خویش ارزشمند می‌داند، حاضر است با هر سطح دستمزد و حتی به صورت رایگان، اقدام به عرضه کار کند. در صورتی که فرد از تأمین حداقل معاش برخوردار نباشد، ممکن است در هر سطحی اقدام به عرضه کار نکند؛ زیرا در صورتی که با دستمزد پایین اقدام به عرضه کار خویش کند؛ نمی‌تواند مخارج ضروری زندگی را تأمین کند. اما وقتی کار را برای خود ضروری می‌داند و دغدغه تأمین ضروریات زندگی را ندارد؛ با هر سطح دستمزدی اقدام به عرضه کار می‌کند.
- در این بخش به تحلیل عرضه نیروی کار از منظر اقتصاد خرد پرداختیم؛ لکن در سطح کلان و برای کل جامعه نیز می‌توان همین تحلیل را ارائه کرد. با توجه به گسترده بودن عرضه نیروی کاری که با انگیزه‌های غیراقتصادی صورت می‌گیرد، باید این نوع عرضه کار را نیز در جامعه اسلامی مورد توجه قرار داد.

تحلیل کار و فعالیت اقتصادی براساس دلایل غیراقتصادی، در میان اقتصاددانان مسبوق به سابقه است. مثلاً نظریه کینز در مورد پس‌انداز واقعی بر روی قوانین بنیادی روان‌شناسانه بنا شده است (ایسینگ، ۱۳۷۲، ص ۱۹۳). با وجود اینکه عرضه نیروی کار امری اقتصادی است؛ لکن این مقوله اقتصادی می‌تواند با انگیزه‌های

دیگری شکل گیرد. در نتیجه عرضه کار حتی در صورت نبود توجیه اقتصادی، صفر نخواهد شد.

البته ممکن است فردی با وجود تمایل شخصی برای اشتغال در دستمزد پائین، به دلیل گریز از بیگاری و حفظ حرمت انسانی خود، اقدام به عرضه کار نکند و بدیهی است که در اینجا عاملی قوی‌تر از علائق فرد، یعنی حفظ کرامت انسانی وی بر امور دیگر غلبه کرده است. همین فرد ممکن است در درآمد بالا هم به دلیل اینکه کرامت وی رعایت نمی‌شود، از کار امتناع کند و در عین حال در مؤسسه‌ای اجتماعی، به صورت رایگان برای کسب رضای خداوند، سلامتی خود و یا پاسخ به حس نوع‌دوستی خویش، فعالیت کند.

۸-۲. عدم غلبه اثر درآمدی

در اقتصاد متعارف، انسان با ازدیاد دستمزد ساعتی، تمایل پیدا می‌کند کار را جایگزین استراحت کند. با کار بیشتر و افزایش درآمد فرد، وی اهمیت کمتری برای رشد درآمد قائل می‌شود. زمانی فرا می‌رسد که کارگر به میزان کافی درآمد دارد و مطلوبیت نهایی ناشی از دستمزد نمی‌تواند نامطلوبیت نهایی ناشی از کار را جبران کند. در این حالت اصطلاحاً اثر درآمدی بر اثر جانشینی غلبه کرده است (تفضلی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۸).

غلبه اثر درآمدی و کاهش عرضه کار، به صورت قانون کلی برای تمامی انسان‌ها خصوصاً انسان مؤمن و جهادی صادق نیست. انسان مؤمن به دلیل وظیفه‌گرایی و برخورداری از صفت جهادی، هیچ‌گاه به دلیل عدم نیاز مادی، شغل را رها نمی‌کند؛ و انسان بی‌ایمان نیز از آنجاکه طبق فرموده قرآن هلع است و یا براساس اندیشه نئوکلاسیک اشباع‌ناپذیر است، چه‌بسا در درآمد بالاتر حرص بیشتری برای جمع مال داشته باشد.

و یا فرد پس از حصول دستمزد بالا، پس از مدتی، بی‌توجه به افزایش درآمد، در پی کسب شهرت و یا اعتبار سیاسی و یا جایگاه شغلی بالاتر و... باشد و فعالیت خود را چندین برابر کند. یا اینکه به دلیل علاقه شخصی‌اش به کار کردن به همان میزان اولیه اقدام به عرضه کار کند.

می‌توان گفت در این موارد، عرضه کار از امور غیراقتصادی تبعیت می‌کند. پس به صرف مشاهده تغلیب اثر درآمدی در برخی افراد نمی‌توان غلبه این اثر را به صورت قانون مطرح کرد. در نتیجه

نتیجه‌گیری

مبانی نظریه اشتغال به دو دسته مبانی فلسفی و مبانی تحلیلی تقسیم‌بندی گردید. در بخش مبانی فلسفی، ابتدا به بعد معرفت‌شناسی پرداختیم. وحی و منابع معصوم مفسر آن از ویژگی‌های منحصر به فرد شناخت در نظریه اشتغال اقتصاد مقاومتی است.

در بعد مبانی هستی‌شناسی، اعتقاد به آفریدگار واحد، منشأ توحید در تشریح و قانون‌گذاری در تمامی عرصه‌های زندگی انسان است. همچنین جهان آخرت و عدم محدودیت حیات به جهان ماده عنصر مهمی در تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی در بازار کار ایفا می‌کند. از جنبه انسان‌شناسی با تحلیل مفاهیمی چون فطرت، آزادی، تربیت‌پذیری و هدفمندی انسان، زمینه را برای استخراج مفهوم در بعد ارزش‌شناسی نیز با تبیین نظر اسلام در مورد کار و ارزش ذاتی آن، مقدمه را برای استخراج مبانی تحلیلی دیگر بازار کار که شامل عرضه کار در تمامی سطوح، عدم غلبه اثر درآمدی و حداکثر کردن سطح اطمینان در فعالیت‌های اقتصادی است را شرح داده و این مفاهیم را می‌توان جایگزین مبانی تحلیلی سرمایه‌داری در نظریه اشتغال کرد.

منابع.....

نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ترجمه محمد دشتی، چ سوم، قم، مؤسسه نهج البلاغه.
 ابن‌درید، محمد بن حسن، ۱۹۸۸م، *جمهره اللغة*، بیروت، دارالعلم للملایین.
 ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، ۱۳۷۵، *النفس من کتاب الشفاء*، تحقیق حسن حسن‌زاده آملی، قم، مرکز النشر الاسلامی.
 ایزدی‌تبار، محمد، ۱۳۸۶، «بررسی برهان لم و ان و ارزش معرفتی آنها»، *معارف عقلی*، ش ۵، ص ۱۰۳-۱۲۶.
 ایسینگ، اوتمار، ۱۳۷۴، *تاریخ عقاید و اندیشه‌های اقتصادی*، ترجمه هادی صمدی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
 تفضلی، فریدون، ۱۳۷۸، *تاریخ عقائد اقتصادی*، چ هشتم، تهران، نشر نی.
 توکلی، محمدجواد، ۱۳۹۴، «چیستی و کارکرد مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی»، *معرفت اقتصادی*، ش ۱۳، ص ۱۰۸-۱۷۷.
 —، ۱۳۹۵، *خاکریز اقتصادی؛ خوانشی بر اقتصاد مقاومتی*، تهران، کانون اندیشه جوان.
 حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، چ دوم، قم، مؤسسه آل‌البیت.
 حسینی‌تهرانی، سیدمحمدحسین، ۱۴۲۳ق، *معادشناسی*، مشهد، نور ملکوت قرآن.
 دادگر، بدالله، ۱۳۸۳، *تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی*، قم، دانشگاه مفید.

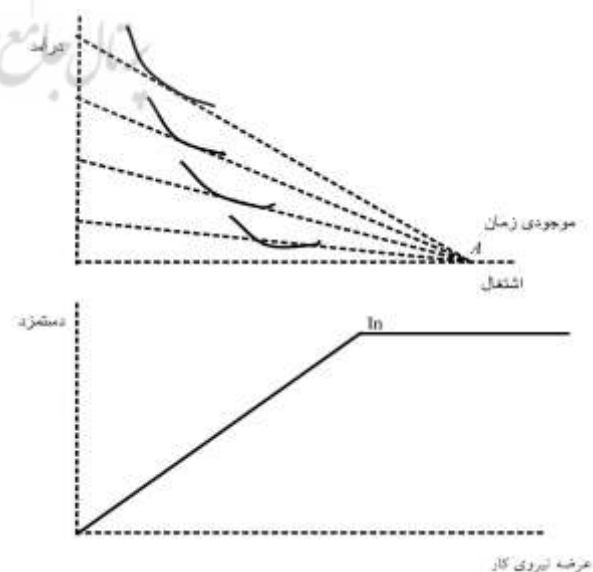
میزانی از دستمزد وجود دارد که پس از آن، عرضه کار برخی کاهش، برخی هم چنان افزایش و برخی نیز نسبت به درآمد بی‌تفاوت شده و عرضه کار خود را براساس امور دیگر تنظیم می‌کنند. این دستمزد را دستمزد استغنا یا دستمزد کفاف گوئیم.

از آنجا که این تحقیق در چارچوب اقتصاد مقاومتی است و فرد شاغل در این اقتصاد از عنصر جهادی بودن برخوردار است؛ برای این فرد در سطح دستمزد کفاف، اثر درآمدی و جانشینی فرد خنثا گشته طبق معادله هیکس و اسلاتسکی، اثر کل و در نتیجه، شیب منحنی عرضه نیروی کار صفر می‌گردد. انسان مؤمن پس از رسیدن به این نقطه، نسبت به درآمد بی‌تفاوت می‌گردد و تنها به خدمت می‌اندیشد. وی میزان کار خود را متناسب با نیاز جامعه تنظیم می‌کند و چه بسا اقدام به افزایش عرضه کار کند. اینکه فرد مؤمن پیش از رسیدن به دستمزد کفاف عرضه نیروی کار را با دستمزد تنظیم می‌کرد و به میزان دستمزد و درآمد توجه داشت؛ به دلیل این بود که وی شرعاً باید نفقه واجب خانواده‌اش را در شأن آنان تأمین کند.

اساس غلبه اثر درآمدی بر این بنا شده که کار نامطلوب است و استراحت مطلوب. فرد در مقایسه مطلوبیت استراحت و نامطلوبیت کار در هر مرحله از درآمد یکی از این امور را ترجیح می‌دهد و تصمیم اقتصادی خود را در مورد عرضه کار اتخاذ می‌کند.

گویا این اندیشه توان تصور مطلوبیت کار را ندارد؛ بلکه کار نیاز ضروری انسان است و مانع از بروز مشکلات روانی انسان می‌گردد.

نمودار سطوح اطمینان و منحنی عرضه نیروی کار



عرضه نیروی کار

سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۸۶، *العقيدة الاسلاميه*، چ سوم، قم، مؤسسه امام صادق^ع.

سبحانی، حسن، ۱۳۷۲، *اقتصاد کار و نیروی انسانی*، تهران، سمت. صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۱۷ق، *اقتصادنا*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

—، ۱۴۳۳ق، *بحوث فی علم الاصول*، تقریر سید محمود هاشمی شاهرودی، چ سوم، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت^ع.

صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، چ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبای حکیم، سیدمحسن، ۱۴۱۶ق، *مستمسک العروة الوثقی*، قم، مؤسسه دار التفسیر.

طریحی، فخرالدین بن، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، چ سوم، تهران، مرتضوی.

طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ق، *الأمالی*، قم، دار الثقافة.

عبدالمملکی، حجت‌الله، ۱۳۹۳، *اقتصاد مقاومتی؛ درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها و برنامه عمل*، تهران، دانشگاه امام صادق^ع.

فرانکنا، ویلیام کی، ۱۳۷۶، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، قم، کتاب طه. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، *مجموعه آثار*، چ دوم، تهران، صدرا.

مظفر، محمدرضا، ۱۴۲۳ق، *المنطق*، تعلیقه غلامرضا فیاضی، چ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

مفضل بن عمر، ۱۳۷۶، *توحید المفضل*، قم، داوری.

موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۴، *ابواب معرفت*، تهران، قدر ولایت.

—، ۱۳۷۹، *مجموعه آثار امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^ع.

میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۸۴، *اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ولایی، عیسی، ۱۳۷۸، *کار در منابع اسلامی*، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.

Craig, Edward, 1996, *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, v 9, London, Routledge.